در پرتو وحی

نفی همکاری و تأیید مسجد ضرار منافقان

«هرگز (ای پیامبر!) در این مسجد(ضرار) به عبادت قیام مکن(و نماز مگزار! بلکه به جای مسجد ضرار) شایسته‌تر این است که در مسجدی به عبادت قیام کنی که زیربنای آن در روز نخست، براساس(نیت) تقوا پایه‌گذاری شده است و گروهی از مردان در آن به عبادت مشغولند که دوست می‌دارند خود را پاکیزه نگه دارند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»

التوبه– ۱۰۸

به بهانه اربعین شهادت مظلومانه امام خامنه‌ای

سال‌ها عبای شهادت بر دوش کشیدند

سعید مستغاثی

«... مرا به پاسگاه پلیس... نزد افسر جوانی بردند. او با لحنی تند به سرزنش و توبیخ من پرداخت. با آرامش به او پاسخ دادم: تو کاری بیش از اعدام من نمی‌توانی انجام دهی... هر کاری می‌خواهی بکن، من آماده‌ام، زیرا وقتی از خانه بیرون آمدم، خود را برای مرگ آماده کردم...»

این جملات بخشی از خاطرات امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای است درباره نخستین دستگیری ایشان در اولین محرم نهضت امام در سال ۱۳۴۲ که به امر امام خمینی به بیرجند رفته و به روشنگری و افشاگری پرداختند تا اینکه در روز تاسوعای آن محرم دستگیر شدند.

امام خامنه‌ای پس از روزهای پرشور و خونبار نیمه خرداد ۱۳۴۲ از زندان بیرجند به مشهد فرستاده شدند. خودشان توضیح داده اند:

«... روز پانزدهم محرم مرا تحت الحفظ به همراه ۳ مامور پلیس به مشهد فرستادند... ماموران پلیس محافظ، حالت ترس و هراس داشتند. وقتی به مشهد رسیدیم، مرا به یکی از مرکز پلیس تحویل دادند که شب سختی را در آنجا گذراندم...صبح هم مرا به ساختمان ساواک تحویل دادند و از آنجا به زندان اردوگاه مشهد فرستادند...»

من خود را برای مرگ آماده کرده‌ام و از آن نمی‌ترسم!

امام خامنه‌ای پس از آزادی به زاهدان رفته و در آن دیار به انجام وظائف انقلابی اقدام ورزیدند. این در شرایطی بود که حضرت امام در حبس و حصر به سر می‌بردند و رژیم شاه به شدت در تعقیب یاران ایشان و طلاب انقلابی و مبارز بود.

سلسله سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در ماه رمضان و در مسجد آقای کفعمی در زاهدان باعث شد تا در نیمه این ماه توسط رئیس پلیس شهر، احضار شوند. در آن احضار پس از آنکه با تهدید رئیس شهربانی مواجه گردیدند، همان جمله‌ای که در دستگیری اول خطاب به رئیس شهربانی بیرجند اظهار داشته بودند را تکرار کردند که «من خود را برای مرگ آماده کرده‌ام و از آن نمی‌ترسم!»

همان شب ایشان را دستگیر کرده و صبح زود به مقر ساواک منتقل نمودند. پس از بازجویی‌های خشن و مکرر، عصر همان روز به فرودگاه برده و به همراه دو مامور با هواپیما به به تهران اعزام کردند. آیت‌الله خامنه‌ای درباره آن لحظات در هواپیما، فرموده اند:

«... در هواپیمایی که مرا به صورت تحت الحفظ به تهران می‌برد، به مسائل مختلفی می‌اندیشیدم؛ به آینده این نهضت اسلامی که برپا شده... به برپاکننده نهضت، امام خمینی... به پدری که برای ادامه معالجه در تهران به من نیاز داشت و به علت ابتلا به آب مروارید بینایی‌اش را داشت از دست می‌داد،... به آینده‌ای که در انتظار من بود و... «

امام خامنه‌ای را از جلوی پلکان هواپیما، سوار اتومبیل ساواک کرده و در یک شب سرد و برفی به زندان قزل قلعه بردند. آیت‌الله خامنه‌ای نقل کرده اند:

«... در قلعه که در آهنی بزرگ و مهیبی بود و با زنجیرهای آهنی بسته شده بود، باز شد. بعد از این در، در راهروی تنگی که در دو طرف آن، سلول‌ها در کنار هم قرار داشت، مرا وارد یکی از این سلول‌ها (به ابعاد دو در دو) کردند...»

امام خامنه‌ای روزهای سختی را در زندان قزل قلعه سپری نمودند اما پس از آزادی پرتوان‌تر و استوارتر در میدان مبارزه نهضت امام حضور یافته و نخستین اقدامشان، ملاقات حضرت امام در خانه‌ای بود در قیطریه که در آن در حصر به سر می‌بردند.

پس از یک سال تعقیب وگریز

آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای پس از تبعید حضرت امام، در تشکیلات انقلابی مدرسین حوزه علمیه قم حضور فعال داشتند، سلسله جلساتی برای تدریس معارف اسلامی مرتبط با نهضت اسلامی برای جوانان برگزار کردند، یک مؤسسه چاپ و نشر تاسیس نمودند که در آن علاوه‌بر انتشار برخی کتب اسلامی حاوی مضامین انقلابی به انتشار اولین کتاب خودشان یعنی ترجمه اثر معروف سید قطب به نام «آینده در قلمرو اسلام» پرداختند.

کشف تشکیلات مدرسین انقلابی و دستگیری جمعی از روحانیون و علمای حوزه قم و همچنین چاپ کتاب «آینده در قلمرو اسلام» باعث شد تا از فروردین ۱۳۴۵، ساواک در تعقیب آقای خامنه‌ای باشد و ایشان هم با آگاهی به این موضوع، نهایت مخفی کاری را به عمل آورده تا از دسترس ساواک و مزدوران رژیم شاه دور بمانند. این تعقیب وگریز تا ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ به طول انجامید تا اینکه در همین روز و پس از مراسم خاکسپاری حاج شیخ مجتبی قزوینی و در میانه راه منزل پدری، توسط ماموران ساواک محاصره شده و برای سومین بار دستگیر شدند.

آیت‌الله خامنه‌ای بدون محاکمه و طی روال قانونی، مدت‌ها در سلول‌های انفرادی حبس شدند. در این دوران، ایام رنج‌آوری برایشان گذشت. به گونه‌ای که پس از مدت‌ها و ملاقات با خانواده، پسر دو ساله شان، پدر را نشناخت.

دفاعیات پرشور در دادگاه نظامی

امام خامنه‌ای در مهرماه ۱۳۴۹ برای چهارمین بار توسط ساواک دستگیر شدند. این بار ماموران ساواک به خانه پدری ایشان، هجوم برده و ایشان را دستگیر نمودند. پس از مدتی حبس در سلول و بازجویی‌های خشونت بار، کار به دادگاه نظامی کشیده شده ولی با دفاعیات مستدل و محکم سید علی خامنه‌ای ۳۱ ساله، حتی در دادگاه تجدید نظر هم نتوانستند حکمی برایشان صادر کنند!

هنوز از آزادی آیت‌الله خامنه‌ای مدت زیادی نگذشته بود که در ششم مهرماه ۱۳۵۰، برای پنجمین بار دستگیر شدند. بازهم ساواکی‌ها به منزل ریخته و آقا را با خودشان بردند. روزهای برگزاری جشن‌های منحوس شاهنشاهی بود و رژیم شاه از آزاد بودن مخالفین سازش ناپذیری همچون سید علی خامنه‌ای می‌هراسید. به ویژه آنکه ایشان در آن سالها با برگزاری کلاس‌های متعدد و جلسات سخنرانی و... در تشریح آرمان‌ها و اهداف نهضت امام برای جوانان نقش عمده‌ای داشتند.

بازهم سلول‌های انفرادی و این بار آیت‌الله خامنه‌ای تحت شکنجه‌های وحشیانه مزدوران ساواک قرار گرفتند. ایشان درباره آن شکنجه‌ها گفته اند:

«... احساس کردم در حال بیهوش شدنم و هم اکنون از این جهان به جهان دیگر می‌روم... نمی‌توانم همه جزئیات شکنجه را بیان کنم، چون فراتر از آن است که در بیان بگنجد... دردآور و ناراحت‌کننده است...»

سخت‌ترین ایام در کمیته مشترک

ششمین دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای در دی ماه ۱۳۵۳ و پس از سخنرانی‌های مسجد جاوید تهران و دستگیری دکتر مفتح و تعطیلی آن مسجد اتفاق افتاد. ایشان را به سلول‌های زندان مخوف کمیته مشترک ضد خرابکاری منتقل کردند و ماههای متمادی زیر شکنجه قرار دادند. امام خامنه‌ای این دوران را سخت‌ترین ایام زندان‌های خود بر شمرده‌اند.

هفتمین دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای در دی ماه ۱۳۵۶ و بعد از برگزاری مراسم مختلف برای گرامیداشت آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی بود که باز مزدوران ساواک با مسلسل و اسلحه‌های مختلف شبانه به منزل‌شان هجوم برده و در مقابل مقاومتشان، امام خامنه‌ای زیر ضربات اسلحه‌ها و مشت و لگد قرار دادند. خودشان گفته اند:

«... شش نفری به من حمله کردند و با خشونت و قساوت مرا به باد کتک گرفتند. در آن هنگام مصطفی که دوازده سال داشت، بیدار شد و از پشت شیشه نازکی که میان من و آنها حائل بود، با حیرت و شگفتی به صحنه کتک خوردن پدر می‌نگریست و فریاد می‌زد. ساواکی‌ها بی‌رحمانه به کتک زدن من با مشت و لگد ادامه دادند و مخصوصا با نوک کفش خود به ساق پای من می‌زدند...»

آقا را به مرکز ساواک مشهد بردند سپس به ایرانشهر تبعید کردند. فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله خامنه‌ای در ایرانشهر و تبدیل آن دیار به کانون انقلاب، باعث شد تا ایشان را در شهریور ۱۳۵۷ به جیرفت به عنوان تبعیدگاه دوم ببرند.

بـا اوج گیری نهضت امـام و مبارزات مردم، سـرانجام آیت‌الله خامنـه‌ای، آخرین زندان و تبعیدگاهشان را نیز پشت سـر گذارده و به طور علنی در خط مقدم مبارزه و در کنار یاران امام، پیشاپیش صفوف مردم مسلمان قرار گرفتند تا پیروزی انقلاب و عضویت در شورای انقلاب و امام جمعه تهران و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام خمینی در شورای عالی دفاع و....

تقدیر الهی سرنوشت دیگری رقم زد

... و بالاخره ۶ تیرماه ۱۳۶۰ و سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، به انفجار بمب توسط پس مانده‌های گروهک تروریستی فرقان و منافقین انجامید:

«... آن وقتی که بمب منفجر شد... سه مرتبه به هوش آمدم... هر دفعه یک احساسی داشتم که آن حالات را من هیچ وقت یادم نمی‌رود.... در یکی از این حالات احساس کردم که من دارم می‌روم، یعنی دارم می‌میرم. احساس کردم که مرگ در مقابل من است....»

وقتی آقا را به بیمارستان رساندند، پرشکان بسیاری در آنجا حاضر بودند. خون زیادی از محل‌های رگ‌های قطع شده رفته بود تا اینکه فشار خون به نزدیکی صفر رسید و یکی از دکترها، دستکش از دستش درآورد و گفت: دیگر تمام شد...

اما مقدر این بود که سید علی حسینی خامنه‌ای بماند و پس از آن با بیشترین رای اکثریت مردم در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری، ۸ سال رئیس‌جمهوری دوران دشوار و سخت دفاع مقدس باشند و سپس به عنوان نایب امام عصر، زمام رهبری انقلاب و نظام اسلامی را به کف بگیرند تا طی ۳۷ سال، جامعه اسلامی را از گردنه‌های صعب و باتلاق‌های مهیب و طوفان‌های سخت، عبور دهند.

از زمان نخستین دستگیری که علنا آرزوی شهادت کردند یعنی ۱۱ خرداد ۱۳۴۲، نزدیک به ۶۳ سال برای این اشتیاق سوختند و برای اسلام و انقلاب و ایران، تحمل کردند، تا ۹ اسفند ۱۴۰۴ که به این درجه رفیع نائل آمدند.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

به جای آتش بس، این سگ هار را خفه کنیم!

سرویس سیاسی-

سخن از آتش‌بس، پیش از آنکه دشمن را متوقف کند، می‌تواند فرصت نفس‌گیری به او بدهد.راه درست، روشن است: فشار مستمر، ضربات هدفمند و ادامه مقاومت؛ تا جایی که این سگ وحشی، دیگر توان نفس کشیدن نداشته باشد.

نزدیک به چهل روز از آغاز جنگی می‌گذرد که طراحانش آن را «سریع، برق‌آسا و تمام‌کننده» تصور می‌کردند؛ اما امروز، همان طراحان، زیر ضربات کوبنده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، به زمین چسبیده‌اند و از شدت درد، جز زوزه چیزی در بساط ندارند. معادله‌ای که قرار بود در چند روز به نفع صهیونیسم و آمریکا بسته شود، اکنون به کابوسی برای آنان تبدیل شده است؛ کابوسی که هر روز با قدرت‌نمایی ایران، عمیق‌تر و تاریک‌تر می‌شود.

انسجامی کم‌نظیر میان مردم و نیروهای مسلح

واقعیت میدان، برخلاف روایت‌های تبلیغاتی دشمن، نشان داده است که نه‌تنها ساختار دفاعی کشور تضعیف نشده، بلکه انسجامی کم‌نظیر میان نیروهای مسلح و مردم شکل گرفته است. دشمن روی شکاف اجتماعی حساب باز کرده بود؛ اما آنچه دید، حضور مردمی بود که نه‌تنها عقب ننشستند، بلکه در حساس‌ترین نقاط، خود به میدان آمدند. پویش «جان‌فدا» و تشکیل حلقه‌های انسانی در مراکز حیاتی و زیرساختی کشور، نمونه‌ای روشن از این همبستگی است؛ صحنه‌هایی که نشان می‌دهد دفاع از وطن، صرفاً یک مأموریت نظامی نیست، بلکه یک باور عمومی و عمیق است.

این پیوند میان مردم و نیروهای مسلح، همان نقطه‌ای است که محاسبات دشمن را به‌هم ریخته است. آنان گمان می‌کردند با فشار اقتصادی، عملیات روانی و حملات نظامی، می‌توانند مردم را از نظام جدا کنند؛ اما نتیجه، دقیقاً برعکس شد. امروز مردم، خود را در خط مقدم دفاع می‌بینند و همین، قدرتی مضاعف به جبهه مقاومت بخشیده است.

در چنین شرایطی، طرح برخی نسخه‌های سازش و مذاکره، بیش از آنکه راه‌حل باشد، شبیه یک خطای محاسباتی خطرناک است. تجربه نشان داده است که طرف مقابل، نه به تعهدات پایبند است و نه اصولاً منطق تعامل برابر را می‌پذیرد. سخن گفتن از توافق، آن هم در اوج فعال بودن ماشین جنگی دشمن، چیزی جز ارسال سیگنال ضعف نیست؛ سیگنالی که می‌تواند دشمن را برای ادامه تجاوز، جسورتر کند.

واقعیت این است که با طرفی مواجه هستیم که هیچ خط قرمزی نمی‌شناسد؛ حمله به مدرسه، دانشگاه، زیرساخت‌های حیاتی و حتی معیشت مردم، بخشی از رفتار عادی اوست. چنین موجودی را نمی‌توان با توصیه به آرامش یا پیشنهاد مذاکره مهار کرد. این یک «سگ وحشی» است؛ زخمی، اما خطرناک. اگر لحظه‌ای از فشار برداشته شود، دوباره حمله خواهد کرد.

باید هزینه تجاوز را بالا برد

از این رو، راهبرد صحیح، نه عقب‌نشینی و نه توقف، بلکه ادامه ضربات دقیق و کوبنده است؛ ضرباتی که نه‌تنها خود این رژیم متجاوز، بلکه حامی اصلی‌اش یعنی آمریکا و مجموعه نوچه‌های منطقه‌ای آن را نیز در بر بگیرد. باید هزینه تجاوز را آن‌چنان بالا برد که نفس کشیدن برایشان دشوار شود. تنها در این صورت است که می‌توان از توقف واقعی جنگ سخن گفت؛ توقفی که نه از سر التماس، بلکه از موضع اقتدار تحمیل شود.

در این میان، برخی تلاش می‌کنند با طرح دوگانه‌های کاذب، جامعه را دچار تردید کنند؛ از یک‌سو خطر جنگ را بزرگ‌نمایی می‌کنند و از سوی دیگر، نسخه‌هایی ارائه می‌دهند که عملاً دستاوردهای میدانی را نادیده می‌گیرد.

این در حالی است که تاریخ، همواره نشان داده ملت‌هایی که در لحظات سرنوشت‌ساز ایستادگی کرده‌اند، نه‌تنها شکست نخورده‌اند، بلکه مسیر آینده خود را نیز با عزت ترسیم کرده‌اند.

امروز نیز شرایط تفاوتی ندارد. مردم ایران، با وجود همه فشارها، نشان داده‌اند که درک دقیقی از صحنه دارند. آنان می‌دانند که عقب‌نشینی در برابر دشمنی که به کمتر از تسلیم کامل رضایت نمی‌دهد، تنها آغاز یک زنجیره بی‌پایان از امتیازدهی خواهد بود. بنابراین، انتخاب مردم روشن است: ایستادگی، مقاومت و حمایت از ضربات بازدارنده.

در نهایت باید گفت، آنچه امروز در میدان می‌گذرد، صرفاً یک تقابل نظامی نیست؛ بلکه آزمونی تاریخی برای سنجش اراده یک ملت است. ملتی که نشان داده که در سخت‌ترین شرایط نیز، میدان را خالی نمی‌کند. اگر این مسیر با همان قدرت ادامه یابد، نه‌تنها دشمن را به عقب خواهد راند، بلکه معادلات منطقه‌ای را نیز به‌طور بنیادین تغییر خواهد داد.

روایت عطوان از پرچم دروغین ترامپ

در همین رابطه، عبد الباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای «رای الیوم» در ویدیوی اظهار کرد: پیش از پایان آتش‌بس جهنمی که ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) ما را به آن تهدید کرده، موضوع بسیار عجیب این است که خبری از جامعه جهانی، انسانیت، سازمان ملل و اصول اخلاقی نیست که رئیس‌جمهور کشور آمریکا یک کشور دیگر با ۹۶ میلیون نفر جمعیت را به نابودی کامل تهدید می‌کند و هیچ‌کس در این جهان اقدامی در پیش نگرفته، مداخله نکرده و صدایش در نمی‌آید، همه کشورهای جهان ساکت شده‌اند این به معنای چراغ سبزی به ترامپ برای انجام این کار است، این واقعا عجیب است، این چه سکوتی است؟

عطوان همچنین گفت: ترامپ هر بار حملات و تهدیدهای خود را به تعویق می‌اندازد و به دروغ می‌گوید که پیشرفتی در مذاکرات حاصل شده در حالی که اصلا پیشرفتی در کار نیست، او هر بار می‌گوید پیشرفتی در مذاکرات حاصل شده و تصمیم داریم حملات را متوقف کنیم یا به تعویق بیندازیم، او تاکنون چهار بار از پیشرفت در مذاکرات گفته اما این پیشرفت کجاست؟ ایران هیچ‌گونه مذاکره مستقیمی را نپذیرفته است و پاسخ آن روشن و شفاف بوده است.

وی افزود: پاسخ ایران آماده است و در اولین حمله یا تشدید تنش از سوی آمریکا اجرا خواهد شد، آمریکا شکست خورده است تمامی تبلیغات آمریکا برای کسی اهمیت ندارد اینها داستان هستند، آنها اگر دلیل و مدرکی برای اثبات دارند، ارائه کنند، ایران هرگز به عصر حجر بازنخواهد گشت، بلکه اسرائیل و کشورهایی که در این جنگ مشارکت داشتند، همگی به عصر حجر بازخواهند گشت، ایران ایستادگی کرد و ضربه اول را دریافت کرد و در طول این مدت یعنی چند هفته پابرجا ماند، ترامپ شکست خورده و در مؤسسه نظامی آن سونامی به پا شده است، او رئیس ستاد ارتش آمریکا و ۱۲ ژنرال دیگر از جمله فرمانده نیروی زمینی ارتش آمریکا را برکنار کرد کسانی که با حمله زمینی به ایران مخالفت کرده بودند چراکه باور داشتند این عملیات به منزله فاجعه‌ای برای آمریکا خواهد بود و به کشتن بیشتر و اگر نگوییم همه نیروهایی منجر خواهد شد که پا به خاک پاک ایران بگذارند.

باید نفس سگ وحشی را برید

بنابراین، در چنین شرایطی، سخن از آتش‌بس، پیش از آنکه دشمن را متوقف کند، می‌تواند فرصت نفس‌گیری به او بدهد. و این دقیقاً همان چیزی است که نباید اجازه داد رخ دهد. راه درست، روشن است: فشار مستمر، ضربات هدفمند و ادامه مقاومت؛ تا جایی که این سگ وحشی، دیگر توان نفس کشیدن نداشته باشد.

درماندگی و پریشان حالی آمریکا و اسرائیل در روز سی و نهم جنگ

انسداد همزمان تنگه هرمز و باب‌المندب فشار بر آمریکا را ده برابر می کند

روز سی و نهم جنگ، روز اتفاق نظر عمومی در آمریکا و غرب، درباره درماندگی و پریشان حالی آغازگران جنگ علیه ایران بود.

ترکیب فشار تنگه هرمز با انسداد باب المندب

در حالی که بانک اهداف اسرائیل و آمریکا ته کشیده و به کنیسه کلیمیان و پل‌ها و جاده‌ها حمله می‌کند، ایران و محور مقاومت هنوز برگ‌های برنده خود را به طور کامل رو نکرده‌اند. ترامپ خیال می‌کند فشاری که به خاطر محدودیت تردد در تنگه هرمز به او وارد می‌شود، سقف آن است و فشار دردناکتری متصور نیست. او بسته شدن باب‌المندب و محدودیت تردد در دریای سرخ را تجربه کرده که ناچارش کرد به آتش‌بس با یمن پس از یک ماه جنگ تن بدهد. حالا هم، تبعات محدودیت در تنگه هرمز را تجربه می‌کند. اما ترامپ، هنوز نمی‌فهمد ترکیب انسداد دو تنگه هرمز و باب‌المندب یعنی چه؟ هرمز هنوز کاملا بسته نشده و باب‌المندب هنوز باز است. با این همه، ترامپ مورد طعن و لعن شرق و غرب دنیاست و در آمریکا با سقوط شدید مقبولیت مواجه شده است. اگر تنگه هرمز کاملا بسته شود و باب‌المندب (گلوگاه ارتباط غرب با شرق) به آن اضافه شود، فشار انسداد هیبریدی بر او، نه دو برابر بلکه ده برابر، و سرشکستگی او به مراتب بزرگ‌تر خواهد شد. مقاومت یمن تا امروز درباره باب‌المندب خویشتنداری کرده است. اما با تصاعد جنگ، ترامپ می‌فهمد که گیر افتادن میان دو تنگه یعنی چه؟

تنگه هرمز ایران از سلاح هسته‌ای مهم‌تر است

در اهمیت موضوع همین بس که ترامپ یک روز در میان و به شکل متناقض می‌گوید «تنگه هرمز ربطی به من ندارد» و «ایرانیان [...] باید آن تنگه لعنتی را باز کنند» واقعیت ماجرا چیست. به گزارش روزنامه هیل متعلق به کنگره: «کنترل ایران بر تنگه هرمز به لحاظ استراتژیک، از سلاح هسته‌ای هم مهم‌تر است. اکنون ایران فهمیده است که کنترلش بر این آبراه، حتی از توسعه سلاح هسته‌ای نیز حیاتی‌تر است». روزنامه واشینگتن تایمز هم دیروز نوشت: «تنگه هرمز، بمب هسته‌ای ایران است. ایران از این اهرم جغرافیایی، به‌عنوان یک سلاح اقتصادی استفاده می‌کند و می‌تواند بدون شلیک حتی یک موشک، اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار دهد».

دیروز فایننشال تایمز گزارش می‌داد «ایران با بهره‌گیری از جابه‌جایی لانچرها، استقرار در سایت‌های پنهان و مدیریت هوشمند ذخایر موشکی، همچنان توان انجام حملات تلافی جویانه مستمر را حفظ کرده است. ترامپ در اظهاراتی متناقض می‌گوید که آمریکا می‌تواند ایران را یک شبه نابود کند، اما از ایران درخواست می‌کند که تنگه هرمز را باز کند». همزمان، روزنامه نیویورک تایمز فاش کرد: «ذخایر موشک‌های رهگیر آمریکا و متحدانش در حال کاهش است؛ هشداری که نشان‌دهنده برتری نسبی ایران در جنگ فرسایشی و فشار مستمر بر سامانه‌های دفاعی طرف مقابل است». در چنین شرایطی بود که رزمندگان دلاور ایرانی دیروز به تلافی حملات دشمن علیه زیرساخت‌ها، به بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی آمریکا در منطقه حمله کردند؛ بزرگ‌ترین مجتمع پتروشیمی منطقه در الجبیل عربستان که متعلق به شرکت‌های آمریکایی «سادرا»، «اکسون مبیل» و «دارکمیکال» است و با تولید ۶۰ میلیون تن، به‌تنهایی حدود ۶ تا ۸ درصد از کل تولید پتروشیمی جهان را به‌خود اختصاص داده است. مجتمع پتروشیمی شرکت آمریکایی «شوردن فیلیپس» در منطقه الجعیمه عربستان نیز با شلیک موشک‌های میان‌برد و حملات پهپادی مورد اصابت قرار گرفت و خسارات گسترده‌ای به تأسیسات آن وارد آمد.

اعتراف ترامپ به تنها ماندن و درماندگی

اعتراض‌ها در آمریکا و غرب به رویکرد آشفته و پر هزینه ترامپ شدت گرفته است. او دیروز در سخنانی آشفته و آمیخته با استیصال گفت:

-«ایرانی‌ها جنگجوهای قابلی هستند، آدم‌های خیلی سرسخت. وقتی دشمن ضعیف باشد، آدم اذیت نمی‌شود، اما این دشمن قوی است؛ البته نه آن‌قدر قوی که حدود یک ماه پیش بود.

-برخی افراد نظامی ما مخالف حمله به ایران بودند چون ارتش ایران قوی هست. ایرانی‌ها چندتا از هلکوپترهای ما را زدند.

-ایرانی‌ها حاضر به تسلیم نیستند و من نمی‌خواهم بیشتر از این پیش بروم چون مسائل دیگری هم هست که بدتر از نابودی نیروگاه‌ها و پل‌هاست.

- من به ایرانی‌ها شب گذشته گفتم حرومزاده عوضی، چون آنها کشور ما را غارت می‌کردند!

- کره جنوبی به ما کمک نکرد. استرالیا به ما کمک نکرد. ژاپن به ما کمک نکرد. ما ۵۰۰۰۰ سرباز در ژاپن و ۴۵۰۰۰ سرباز در کره جنوبی داریم تا از آنها محافظت کنیم.

- آلمانی‌ها گفتند این جنگ ما نیست و توقع داشتند ما بهشان بگیم چیکار می‌کنیم.

- ما اسلحه فرستادیم؛ قرار بود به مردم ایران برسد. می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ افرادی که اسلحه‌ها را فرستادیم، آنها را برای خود نگه داشتند. چون گفتند، «چه اسلحه زیبایی، فکر می‌کنم آن را نگه دارم.» من از یک گروه خاص از مردم ایران بسیار ناراحتم و آن‌ها بابت این کار هزینه سنگینی خواهند پرداخت.

- متأسفانه مردم آمریکا خواهان بازگشت ما به کشور هستند».

فروپاشی روانی و سردرگمی

این اظهارات موجب تحلیل‌های منفی بسیار درباره قافیه باختگی ترامپ شد. در حالی که اسپنسر کریچلی تحلیلگر آمریکایی می‌گفت: «ترامپ یک نادان تمام عیار است که دچار فروپاشی روانی شده و در مقابل ایران برای ما فاجعه به بار آورده است». ساندی تایمز انگلیس نوشت: ترامپ گفتمان رکیک بی‌سابقه‌ای به عنوان رئیس یک کشور علیه ایران به کار برد چیزی که با اصول گفتمان یک رئیس‌جمهور مغایرت دارد. منتقدان، این مطلب را نشان‌دهنده حالتی از تنش و سردرگمی تفسیر کرده و گفتند که این می‌تواند برای تخریب وجهه آمریکا و ایجاد تردیدهایی درباره عقلانیت ترامپ استفاده شود. سؤالات درباره وضعیت روانی ترامپ افزایش یافته است

همچنین فارین پالیسی می‌نویسد: افزایش تنش و درگیری نظامی میان آمریکا و ایران، بیش از آنکه شبیه یک پیروزی سریع نظامی باشد به یک تراژدی یونانی در سیاست آمریکا شباهت پیدا کرده است. با گذشت شش هفته از جنگ، نشانه‌های هزینه‌های سنگین آن آشکار شده: ایران تهدید به بستن تنگه هرمز کرده و اختلال در این مسیر حیاتی، قیمت سوخت و نگرانی از تورم و رکود جهانی را بالا برده است. در آمریکا نیز نظرسنجی‌ها از افت محبوبیت ترامپ و نارضایتی گسترده حکایت دارد و جمهوری‌خواهان با خطر از دست دادن کنگره در انتخابات روبه‌رو هستند. کارشناسان هشدار می‌دهند ادامه جنگ می‌تواند ذخایر مهمات و سامانه‌های دفاعی آمریکا را تحلیل ببرد؛ منابعی که برای مهار چین حیاتی تلقی می‌شوند. در عرصه دیپلماسی نیز این بحران مذاکرات واشنگتن با پکن را پیچیده‌تر کرده، بموقعیت روسیه در بازار انرژی و معادلات ژئوپلیتیک کمک کرده و تلاش‌ها برای پیشبرد صلح در اوکراین را تحت‌الشعاع قرار داده است. تحلیلگران هشدار می‌دهند که بدون راهبردی روشن برای پایان دادن به درگیری، خطر گرفتار شدن آمریکا در جنگی فرسایشی بیش از پیش افزایش یافته است.

از طرف دیگر، نشریه نیوزویک با بیان اینکه «مواضع ترامپ علیه ایران باعث افزایش انتقادها و درخواست‌ها در آمریکا برای برکناری او شده است»، نوشت: منتقدان و کارشناسان سلامت روان هشدار می‌دهند که استفاده فزاینده رئیس‌جمهور آمریکا از الفاظ رکیک و تهدیدات بی‌پرده، نشان‌دهنده فروپاشی ثبات روانی او در میانه بحران جنگ است. روان‌پزشکان معتقدند فشار ناشی از سرنگونی جنگنده‌های آمریکایی و قیمت ۱۰ دلاری بنزین در برخی نقاط، باعث شده تا ترامپ به جای تصمیم‌گیری منطقی، به تخلیه هیجانی مخرب روی بیاورد.

احتمال شورش در ارتش آمریکا

در همین زمینه، نشریه آتلانتیک نوشت: «جنگ ترامپ با ایران در حال به نمایش گذاشتن ضعف‌های استراتژیک و نظامی آمریکا برای دیگر کشورهای رقیب به‌ویژه چین است». و مارک هرتلینگ، ژنرال بازنشسته آمریکایی از احتمال شورش در ارتش آمریکا خبر داد: «مطمئنم الان خیلی از فرماندهان نظامی و افسران ارشد هستند که با خود می‌گویند: «نمی‌توانم از یک دستور غیرقانونی اطاعت کنم. نمی‌توانم کارهایی را انجام دهم که می‌دانم کاملاً اشتباه است». کسانی که نمی‌توانند فقط استعفا بدهند. آنها مجبورند در ارتش بمانند و احتمالاً شاهد یک قیام در ارتش باشیم. در این میان، روزنامه لس‌آنجلس تایمز می‌نویسد: برکناری فرمانده ارتش آمریکا باعث هراس در وزارت جنگ شده و این به نفع ایران است. اختلال‌ها و جابه‌جایی‌های ناگهانی باعث شده تا افسران ارشد ارتش به جای جنگ، بر حفظ جایگاه خود تمرکز کنند. این تزلزل مدیریتی، دقیقاً همان چیزی است که ایران برای فرسایشی کردن جنگ به آن نیاز دارد.

بالا بردن پرچم سفید در کانال ۱۲ اسرائیل

شرایط در اسرائیل با وجود فضای سانسور و اختناق شدید، بسیار وخیم است. با از کار افتادن پدافندها، تقریبا تمام موشک‌های شلیک شده از ایران و لبنان، به اهداف زیر ساختی اصابت می‌کنند. شرایط چنان بحرانی است که یک شهرک‌نشین اسرائیلی در مصاحبه با شبکه ۱۲ اسرائیل گفت: «زندگی از روال عادی خارج شده، پرچم سفید! دیگر بس است، ما دیگر توان روانی نداریم». همچنین روزنامه هاآرتص نوشت: مقامات ارتش اسرائیل اعتراف کردند که رهگیری موشک‌های خوشه‌ای ایران و تعداد محدود موشک‌های رهگیر دشوار است.

شبکه صهیونیستی اینترنشنال برای تشفی خاطر خود و کاستن از بار شکست رژیم صهیونیستی، از قول روزنامه جروزالم‌پست گفت: «دستگاه اطلاعاتی روسیه فهرستی شامل اطلاعات دقیق ۵۵ زیرساخت حیاتی انرژی اسرائیل را در اختیار ایران قرار داده است؛ اقدامی که نشانه تعمیق کم‌سابقه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی مسکو و تهران در جریان جنگ جاری است. روسیه به ایران اطلاع داده حتی هدف قرار دادن چند جزء محدود اما کلیدی شبکه برق اسرائیل می‌تواند به فروپاشی کامل و بلندمدت سیستم انرژی آن منجر شود». در همین حال، نشریه اسرائیلی وای‌نت گزارش داد، چهار نظامی ارتش اسرائیل به ظن جاسوسی برای ایران بازداشت شده‌اند. بر اساس اتهامات مطرح شده، اقدامات این چهار نظامی اسرائیلی در جریان جنگ اخیر صورت گرفته است.

از سوی دیگر، رادیو ارتش اسرائیل گزارش داد: از شب عید پاک یهودیان، حدود ۶۳ هزار اسرائیلی، اسرائیل را ترک کرده‌اند.

شهردار شهر حیفا نیز از خسارت‌های سنگین وارده و بی‌توجهی کابینه به وضعیت شمال سرزمین‌های اشغالی انتقاد کرد. «یونا یاهف» گفت: پس از خسارت‌های گسترده به حیفا، این شهر عملاً هیچ ارتباطی با دولت ندارد. به همین دلیل برخی شهرک‌نشینان در حال ترک این شهر هستند.

ایران، نیروی مسلط غرب آسیا می‌شود

اما آلون میزراحی یهودی معترض به سیاست‌های نتانیاهو گفته است: ایران باید بداند تا زمانی که اسرائیل وجود دارد، بارها مورد حمله قرار خواهد گرفت و ایالات متحده به آن کمک خواهد کرد. این تنها فرصت آنهاست تا واقعیت را شکل دهند. آنها نباید به هیچ تضمینی تکیه کنند؛ همه اینها دروغ است. هر کلمه از اینها دروغ است. این دروغها را بگذارید برای بعد: ایران از این وضعیت جان سالم به در خواهد برد و به نیروی مسلط بلامنازع در غرب آسیا تبدیل خواهد شد. این، جنگ استقلال آنهاست و آنها پیروز خواهند شد. «ناحوم بارنع» تحلیلگر صهیونیست دیروز با بیان اینکه «پیروزی‌های خیالی نتانیاهو و ترامپ، در تضاد با واقعیت میدانی است»، افزود: این بحران تنها به آمریکا محدود نمی‌شود، بلکه اسرائیل نیز با پیامدهای روزانه جنگ در جبهه‌های مختلف مواجه است. آنها با تکیه بر تبلیغات، جایگزین ارزیابی‌های واقع‌گرایانه شده‌اند.

متکبر و نادان و ناتوان از درک ایران

روزنامه انگلیسی گاردین هم معتقد است که ترامپ هیچ درک و شناختی از ایران ندارد و همین موجب طولانی شدن جنگ شده است: ترامپ با کشوری می‌جنگد که هیچ درک و شناختی از آن ندارد. اکنون پنج هفته از جنگ می‌گذرد و وارد هفته ششم می‌شویم. آنچه قرار بود یک کارزار نظامی دقیق و قاطع برای از بین بردن یک تهدید هسته‌ای قریب‌الوقوع باشد به هیچ وجه دقیق یا قاطع نیست. کشورهای حاشیه خلیج [فارس] از کار افتاده‌اند، تنگه هرمز بسته شده و هیچ نشانه‌ای از فروپاشی نظام ایران وجود ندارد. اشتباه، مثل همیشه، ترکیبی از تکبر و نادانی است؛ نقص‌هایی که با توجه به ویژگی‌های خاص ایران، حتی جدی‌تر هم می‌شوند. جهل و تکبر ویژگی‌های اصلی ترامپ است. او هرگز به این فکر نمی‌کرد که ایران با اهداف و قواعد خاص خودش بازی کند. نخستین اشتباه، دست‌کم گرفتن تمایل و توانایی ایران برای جنگ نامتقارن بود. دومین اشتباه، انتظاری عجیب بود که ایران از مهم‌ترین اهرم خود یعنی بستن تنگه هرمز استفاده نکند. و سومین اشتباه، انتظار وقوع یک آشوب مردمی بود؛ آن هم در شرایطی که یک حمله خارجی، غیرنظامیان ایرانی را می‌کشد و زیرساخت‌ها را هدف قرار می‌دهد!

این جنگ
ایران را به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل می‌کند

جمع‌بندی این گزارش را را با دو تحلیل، به پایان می‌بریم. نخست، ارزیابی اندیشکده انگلیسی چتم‌هاوس که به فعال شدن مقاومت یمن و همچنین انسداد تنگه باب‌المندب اشاره کرد و نوشت: حوثی‌ها (مقاومت یمن) از موقعیت جغرافیایی بهتری نسبت به ایران برخوردارند و می‌توانند زیرساخت‌های نفتی عربستان و پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج‌فارس را تهدید کنند، چنان‌که لحن اخیرشان نیز احتمال چنین حملاتی را نشان می‌دهد. و تحلیل دوم، روایت روزنامه نیویورک تایمز که می‌نویسد: این جنگ دارد ایران را به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل می‌کند در سال‌های اخیر، نظم جهانی به سمت سه قطب آمریکا، چین و روسیه در حرکت بود، اما این فرض دیگر اعتبار ندارد. قطب چهارم قدرتِ جهانی به‌سرعت در حال ظهور است: ایران. حالا نظام بین‌الملل با ایران به‌عنوان چهارمین قطب قدرت جهانی شناخته خواهد شد. این جنگ تحولی است که می‌تواند نظم جهانی را به‌طور غیرقابل بازگشتی تغییر دهد.

التماس ترامپ به واسطه‌ها برای آتش‌بس با ایران

یک منبع آگاه با بیان اینکه ترامپ به وضوح به دنبال دیدار و توافق است، تأکید کرد: شاهد مثال این مدعا، تماس‌های جداگانه ۵ رئیس دولت کشورهای دوست و ۸ سرویس اطلاعاتی با ایران است که همگی تلاش می‌کنند روزنامه‌ای برای آتش‌بس ایجاد کنند.

یک منبع آگاه اعلام کرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پس از تعیین مهلت برای مذاکره با جمهوری اسلامی ایران و در آستانه پایان این فرصت، تحت فشار شدید سیاسی قرار گرفته است.

به گفته این منبع، انتهای این مسیر برای ترامپ چیزی جز از دست دادن اعتبار سیاسی و احتمالاً سقوط زودهنگام دولت او به همراه نخواهد داشت. این منبع آگاه اضافه می‌کند: در همین حال، وزیر جنگ دولت ترامپ نیز از این وضعیت احساس خطر کرده و خود را در معرض تهدید می‌بینند. یکی از دلایل برکناری اخیر رئیس ستاد ارتش آمریکا همین نگرانی‌ها عنوان شده و اکنون وزیر جنگ معتقد است که به زودی «دن دریکسون» جای او را خواهد گرفت.

او ادامه داد: افزون بر این، «افتضاح دو روز گذشته در اصفهان» فشارها بر کاخ سفید را چند برابر کرده است. به گفته منبع آگاه، طی ۲۴ ساعت گذشته، دولت آمریکا به هر کشوری که تصور می‌کند نزد جمهوری اسلامی ایران اعتباری داشته باشد، «التماس» کرده است. بنابر گفته وی، شاهد مثال این مدعا، تماس‌های جداگانه ۵ رئیس دولت کشورهای دوست و ۸ سرویس اطلاعاتی با ایران است که همگی تلاش می‌کنند روزنامه‌ای برای آتش‌بس ایجاد کنند. این تماس‌ها به صراحت به فشار رژیم صهیونیستی و لابی یهود علیه ترامپ اشاره دارند و معتقدند او تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفته – فشاری که ترامپ آن را درک می‌کند، اما به گفته این منبع «نمی‌تواند این شکست راهبردی را بپذیرد». منبع آگاه تأکید کرد: ترامپ به وضوح به دنبال دیدار و توافق است. پیشنهاد آمریکا شامل حذف «ویتکاف» به دلیل نزدیکی به حلقه نتانیاهو و مذاکره با «ونس» برای ساختن یک مسیر جدی، در ازای پاسخ به درخواست‌های جمهوری اسلامی ایران است. به گزارش فارس، در پایان، این منبع خاطرنشان کرد: آمریکایی‌ها معتقدند از هفته آینده قیمت سوخت افزایش انفجاری خواهد داشت و حاضر به پذیرش این ریسک نیستند.

رد پای شریفی زارچی در حمله به مرکز سخت‌افزار هوش مصنوعی شریف

اصابت دقیق به زیرساخت‌های حیاتی پردازش و GPU دانشگاه شریف، فقط یک حمله نظامی نبود؛ این عملیات، بوی یک «خیانت در سطح نخبگانی» می‌دهد. دسترسی به جزئیات فنی و نقاط حساس، فرضیه نقش‌آفرینی عوامل داخلی با پیوندهای خارجی را تقویت کرده؛ فرضیه‌ای که حالا نام شریفی زارچی را بر زبان‌ها انداخته است.

اصابت دقیق به زیرساخت‌های پردازشی و مرکز GPU دانشگاه صنعتی شریف، فراتر از یک خسارت فیزیکی، زنگ خطر «نفوذ در لایه نخبگانی» را بار دیگر به صدا درآورده است. اشراف بر جزئیات فنی و مکانی این مرکز که در تخصص حوزه‌هایی نظیر هوش مصنوعی و بیوانفورماتیک است، فرضیه همکاری «نقشه راه داخلی» با سرویس‌های جاسوسی بیگانه را تقویت کرده است.

از تخصص علمی تا ردیابی امنیتی

در پی حمله دشمن به دانشگاه شریف، حسین اسدی، استاد دانشکده مهندسی کامپیوتر و مدیر مرکز پردازش سریع دانشگاه اعلام کرد: با حمله دشمن، علاوه‌بر اینکه خدمات پردازش سریع متوقف شد، خدمات هوش مصنوعی پایه که معادل خدمات چت جی پی‌تی بود و توسط جوانان نصب و راه‌اندازی شده بود نیز متوقف شده است.

این مرکز، حوزه فعالیت چهره‌هایی چون علی شریفی زارچی بود که دسترسی گسترده‌ای به زیرساخت‌های داده‌ای و شبکه پردازش سنگین دانشگاه داشته‌اند و اکنون از زاویه‌ای جدید مورد نقد قرار گرفته است. تحلیلگران معتقدند مواضع سیاسی تند و همسویی با ضد انقلاب به خصوص سرویس سیا و موساد، نمی‌تواند از احتمال انتقال دانشِ زیرساختی به دشمن جدا باشد.

زارچی زمان حضور در ایران، به‌عنوان مدرس هوش مصنوعی و عضو هیئت علمی این بخش از دانشگاه، فعالیت داشت.علی‌اکبر افضل، کارشناس مسائل امنیتی، در تحلیلی پیرامون این حادثه می‌گوید:

«دقت در هدف قرار دادن سرورهای خاص، نشان از یک عملیات ترکیبی دارد. دشمن با بهره‌گیری از عوامل نفوذی در بدنه دانشگاهی و پیوند عملیاتی با هسته‌های معاند نظیر سازمان مجاهدین، موفق شده است نقاط کور و حساس پدافند غیرعامل ما را در حوزه فناوری‌های نوظهور شناسایی کند.»

کنارهم گذاشتن قطعات این پازل، ردپای شریفی زارچی در چرایی حمله آمریکا و اسرائیل به دانشگاه شریف و خاصتا مرکز سخت‌افزار هوش مصنوعی ایران را، روشن‌تر می‌کند.

پیشینه نفوذ؛ از محیط زیست تا هوش مصنوعی

منابع آگاه معتقدند این الگو، تکرار سناریوی دهه ۹۰ شمسی است. در آن دوره، تحت لوای فضای ایجاد شده پس از برجام، تعدادی از افراد آموزش‌دیده در غرب با مأموریت‌های خاص و در کسوت استاد دانشگاه یا نخبه علمی وارد زیرساخت‌های حیاتی شدند. نمونه بارز این جریان در پرونده جاسوسان اسرائیلی محیط زیست (مؤسسه حیات وحش میراث پارسیان) و حضور افرادی چون کاوه مدنی به عنوان نخبه، در بدنه علمی و اجرائی دیده شد که منجر به خروج اطلاعات حساس از کشور گشت.

نگرانی از آلودگی امنیتی در بدنه دانشجویی

بازداشت‌های سال‌های اخیر در دانشگاه شریف که پرده از ارتباط برخی دانشجویان با سازمان‌های تروریستی همچون سازمان منافقین و سرویس‌های غربی برداشت، نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری سنگین دشمن بر روی «سرمایه انسانی» کشور است. به گزارش فارس، حادثه اخیر در مرکز محاسبات، ثابت کرد که هدف دشمن تنها ترور فیزیکی نیست، بلکه از کار انداختن «مغز متفکر» و زیرساخت‌های هوش مصنوعی ایران از طریق اطلاعات دقیق عوامل داخلی است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که بازنگری در دسترسی‌های امنیتی مراکز حساس علمی و بازخوانی پرونده اساتید و نخبگانی که پیوندهای مشکوک با محافل خارج از کشور دارند، به یک ضرورت حیاتی برای پدافند غیرعامل کشور تبدیل شده است.

هدیه به خوانندگان

حضرت امام خمینی(ره): من خوف آن دارم که به‌واسطه قشرهایی که غرض ندارند لکن نادان هستند کارهایی صورت بگیرد که مکتب ما را بد معرفی کند.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی:

جنگ علیه ایران بدترین بحران انرژی تاریخ را رقم زده است

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی با اشاره به تداوم کاهش تردد در تنگه هرمز هشدار داد: جنگ ایران بدترین بحران انرژی تاریخ جهان را رقم زده و در بحران فعلی، روزانه بیش از ۱۲ میلیون بشکه نفت و حجم عظیمی گاز از دست می‌رود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم؛ «فاتح بیرول» رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، دیروز سه‌شنبه در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لوفیگارو اعلام کرد که اگر تنگه هرمز در طول ماه‌آوریل بسته بماند، میزان نفت خام و فرآورده‌های نفتی از دست رفته دو برابر ماه مارس (اسفند) خواهد بود و جهان با «آوریل سیاه» در زمینه انرژی مواجه می‌شود.

بیرول جنگ ایران را «بدترین بحران انرژی تاریخ جهان» توصیف کرد و گفت این بحران از مجموع بحران‌های نفتی سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۹ و بحران اوکراین در سال ۲۰۲۲ شدیدتر است.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی توضیح داد که در ماه مارس، بخشی از محموله‌های نفتی و گازی که پیش از آغاز جنگ ۲۸ فوریه بارگیری شده بودند، همچنان به مقاصد خود رسیدند. اما در ماه‌آوریل (فروردین) دیگر هیچ محموله‌ای در راه نیست و خلأ انرژی به طور کامل نمایان خواهد شد.

بر اساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی، پیش از بحران، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت (معادل ۲۵ درصد تجارت دریایی نفت جهان) از تنگه هرمز عبور می‌کرد. هم‌اکنون این میزان به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافته است.

بیرول در ادامه هشدار داد که بزرگ‌ترین مشکل فعلی، کمبود سوخت هواپیما (جت‌فیول) و گازوئیل (دیزل) است. این کمبود هم‌اکنون در آسیا به شدت احساس می‌شود و به زودی دامن گیر اروپا نیز خواهد شد.

وی پیش‌بینی کرد: این کمبود را در آسیا بسیار جدی است، اما به زودی، فکر می‌کنم در اواسط ماه‌آوریل یا اوایل مه (اردیبهشت)، آن را در اروپا نیز خواهیم دید.

پس از آزادسازی تاریخی ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخایر استراتژیک کشورهای عضو این آژانس در اوایل مارس، بیرول اعلام کرد که آژانس بین‌المللی انرژی در حال بررسی دور دوم آزادسازی است.

وی تأکید کرد: ما شبانه‌روز و حتی ساعتی بازار را رصد می‌کنیم. اگر لازم بدانیم، پیشنهاد آزادسازی بیشتر را ارائه خواهیم داد. با این حال، بیرول هشدار داد که این اقدام صرفاً «مُسَکِن» است و راه‌حل اساسی، بازگشایی تنگه هرمز است.

به گفته بیرول، بحران کنونی تنها محدود به نفت نیست. محصولات پتروشیمی، کودهای شیمیایی و گاز طبیعی مایع (LNG) نیز با اختلال شدید مواجه شده‌اند. صادرات LNG از قطر و امارات حدود ۲۰ درصد کاهش یافته که ضربه سنگینی به بازارهای آسیایی وارد کرده است.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی در ادامه با اشاره به ابعاد فاجعه‌بار بحران گفت: در بحران‌های نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹، روزانه حدود پنج میلیون بشکه نفت از دست می‌رفت. در بحران اوکراین نیز شاهد کمبود گاز بودیم. اما در بحران فعلی، روزانه بیش از ۱۲ میلیون بشکه نفت و حجم عظیمی گاز از دست می‌رود. این بحران از مجموع آن سه بحران بزرگ‌تر است.

ایران پردرآمدترین کشور نفتی منطقه

بر اساس داده‌های مؤسسات رهگیری نفتکش از جمله کپل و ورتکسا، صادرات نفت ایران در ماه مارس ۲۰۲۶ به طور میانگین به دو میلیون بشکه در روز رسیده است. این میزان نه تنها تحت تأثیر جنگ کاهش نیافته، بلکه نسبت به ماه قبل نیز افزایش نشان می‌دهد. ایران نه تنها صادرات نفت خود را حفظ کرده، بلکه با افزایش ۳۷ درصدی درآمد ماهانه، عنوان پردرآمدترین کشور نفتی منطقه را در ماه مارس به خود اختصاص داده است.

اخبار ورزشی

معرفی مربیان جدید تیم ملی والیبال

با تصمیم پیاتزا سرمربی تیم ملی والیبال ۴ مربی در کادر فنی تیم ملی والیبال به عنوان دستیار انتخاب شدند.

پس از اینکه پیاتزا تصمیم گرفت تغییراتی در کادر فنی تیم ملی والیبال ایران بدهد، محمدرضا تندروان و عبدالرضا علیزاده از کادر فنی تیم ملی والیبال ایران جدا شدند. فدراسیون والیبال هم اسامی ۶ مربی را به پیاتزا داده بود و قرار بود پیش از پایان سال در جلسه آنلاینی که با این مربیان دارد، گزینه‌های مورد نظر خود را انتخاب کند. با حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی و آمریکایی به خاک ایران، بحث انتخاب دستیاران پیاتزا به تعویق افتاد. در نهایت پس از جلسات بین روبرتو پیاتزا و سیدمیلاد تقوی رئیس فدراسیون والیبال، مقرر شد تا علی فتاحی، عادل غلامی، رحمان محمدی‌راد و غلامرضا مؤمنی‌مقدم به‌عنوان مربیان ایرانی در کادر فنی تیم ملی والیبال مشغول به‌کار شوند.

تیم تکواندو نوجوانان ایران با نام «هرمز» در مسابقات قهرمانی جهان

مراسم بدرقه تیم‌های ملی نوجوانان اعزامی به مسابقات قهرمانی جهان در حالی برگزار شد که کاروان اعزامی به این رقابت‌ها به نام «هرمز» نامگذاری شد.

با توجه به اعزام تیم‌های نوجوانان کشورمان به مسابقات قهرمانی جهان در ازبکستان و به دلیل شرایط موجود، مراسم نمادین بدرقه کاروان اعزامی به این رقابت‌ها در جوار مزار شهید گمنام برگزار و با آرمان‌های امام راحل(ره) و رهبر شهید تجدید پیمان شد. همچنین با توجه به رشادت‌های نیروهای مسلح در حفاظت و پاسداری از میهمن اسلامی به خصوص تنگه هرمز، کاروان اعزامی به مسابقات قهرمانی نوجوانان جهان با افتخار «هرمز» نامگذاری شد. پانزدهمین دوره رقابت‌های تکواندو قهرمانی نوجوانان جهان ۲۳ لغایت ۲۸ فروردین ماه به میزبانی ازبکستان در شهر تاشکند برگزار خواهد شد و تیم‌های نوجوانان دختر و پسر ایران که تمرینات آماده‌سازی خود را در ساری و گیلان پیگری می‌کنند، عصر فردا سه‌شنبه به صورت زمینی از مرز ترکیه عبور کرده و راهی شهر «وان» خواهند شد و از آنجا با هواپیما راهی شهر تاشکند در ازبکستان، محل برگزاری این مسابقات خواهند شد.

شرایط نامشخص وزنه‌برداران برای اعزام به رقابت‌های بین‌المللی

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری با اشاره به تعطیلی اردوهای تیم‌های ملی پس از حملات اخیر به ایران گفت: ملی‌پوشان از شرایط ایده‌آل دور شده‌اند و اعزام به مسابقات در ابهام قرار دارد.

سجاد انوشیروانی در تازه‌ترین صحبت‌های خود اظهار داشت: متأسفانه به خاطر این حمله وحشیانه و تجاوز به خاک ایران، تمامی اردوها تعطیل شد و در حال حاضر وزنه‌برداران در خانه هستند و گاهی وقت‌ها هم در سالن تمرینی، اگر باز باشد، تمرین می‌کنند، اما به‌طور کلی از آمادگی به دور شدند. متأسفانه به خاطر اتفاقات اخیر، تعاملات بین‌المللی ما، از جمله رد و بدل شدن ایمیل‌ها با فدراسیون جهانی و اخذ ویزا برای حضور ملی‌پوشان در مسابقات، به‌هم ریخته است. در حال حاضر منتظر تصمیم وزارت ورزش و جوانان برای اعزام به مسابقات پیش‌رو هستیم. وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به تعویق مسابقات قهرمانی آسیا، امکان اعزام تیم وجود دارد یا خیر، گفت: هدف ما این بود که تیم دوم بزرگسالان را به مسابقات قهرمانی آسیا اعزام کنیم، ولی در حال حاضر این نفرات در اردوی تیم ملی حضور ندارند. ما باید شرایط را بسنجیم و حتی برای مسابقات جوانان جهان در مصر هم در جلسه آنلاین با اعضای کمیته فنی خواهیم داشت تا در مورد تیم‌ها تعیین تکلیف کنیم.

تیم ملی کشتی آزاد برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا راهی قرقیزستان شد

تیم ملی کشتی آزاد برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا راهی کشور قرقیزستان شد.

مسابقات کشتی آزاد بزرگسالان قهرمانی آسیا روزهای ۲۱ لغایت ۲۳ فروردین ماه در شهر بیشکک قرقیزستان برگزار می‌شود. اسامی نفرات اعزامی به این شرح است: ۵۷ کیلوگرم: میلاد والی زاده، ۶۱ کیلوگرم: احمد محمدنژاد جوان، ۶۵ کیلوگرم: پیمان نعمتی، ۷۰ کیلوگرم: سینا خلیلی، ۷۴ کیلوگرم: امیرمحمد یزدانی، ۷۹ کیلوگرم: مهدی یوسفی، ۸۶ کیلوگرم: کامران قاسم پور، ۹۲ کیلوگرم: محمدمبین عظیمی، ۹۷ کیلوگرم: امیرعلی آذرپیرا، ۱۲۵ کیلوگرم: امیرحسین زارع. هدایت تیم ملی کشتی آزاد ایران در این رقابت‌ها با پژمان درستکار است. بر اساس برنامه این رقابت‌ها، مسابقات اوزان ۵۷، ۶۵، ۷۰، ۷۹ و ۹۷ کیلوگرم روزهای ۲۱ و ۲۲ و مسابقات اوزان ۶۱، ۷۴، ۸۶، ۹۲ و ۱۲۵ کیلوگرم روزهای ۲۲ و ۲۳ فروردین ماه برگزار می‌شود.